

# دکتر دانیل دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۷ فیلمون

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان هشتم. این جلسه هفدهم در مورد فیلمون است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس ما در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

ما به رساله کولسیان پرداختیم و حالا به بررسی رساله فیلمون می‌پردازیم. فیلمون کتاب بسیار جالبی است. فقط یک فصل دارد.

نمی‌دانم چند نفر از شما دوست دارید برای سرگرمی کتاب فیلمون را بخوانید. نمی‌دانم آیا اصلاً زحمت مطالعه‌ی خود کتاب فیلمون را به خودتان داده‌اید یا نه. راستش را بخواهید، حتی نمی‌دانم که آیا حتی در اوقات فراغت خود، برای خواندن آن وقت گذاشته‌اید یا نه.

یا شاید باید پرسیم، آیا موعظه‌ای در مورد فیلمون داشته‌اید؟ وقتی به نامه پولس به فیلمون فکر می‌کنید چه چیزی به ذهنتان خطور می‌کند؟ اما قبل از اینکه به نامه پردازیم، باید به نکات جالبی که در تحقیقات مدرن هنگام فکر کردن به این نامه پدیدار می‌شوند، نگاهی بیندازیم. اولین چیزی که با توجه به بحث‌های مدرن به آن نگاه می‌کنیم، تاریخ‌ها و نویسنده است. ما این مجموعه سخنرانی‌های خاص را «نامه‌های زندان» می‌نامیم.

در همان ابتدای این سخنرانی، توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که برخی از کتاب‌های این مجموعه از رساله‌های زندان، توسط محققان مورد بحث قرار گرفته و ادعا می‌کنند که توسط پولس نوشته نشده‌اند. دو کتاب از این مجموعه که برجسته بودند، کولسیان و افسسیان هستند. دو کتابی که در مجموعه رساله‌های زندان که در این مجموعه مطالعاتی به آنها می‌پردازیم، بدون شک وجود دارند، فیلیپیان و فیلمون هستند.

بنامید. اینکه پولس نویسنده‌ی کتاب فیلمون است، مورد بحث نیست. با PMP اگر دوست دارید، آن را این حال، فیلمون همچنان انواع سوالات را برای محققان امروزی مطرح می‌کند.

بنابراین، بیایید بحث در مورد فیلمون را با این فرض یا اثبات شروع کنیم که پولس این را نوشته است. حداقل اکثر محققان هیچ استدلال جدی برای رد پولس و نویسندگی او پیدا نکرده‌اند. بنابراین، پولس نویسنده فیلمون است.

چه زمانی کتاب فیلمون نوشته شد؟ وقتی به فیلمون فکر می‌کنیم، به تاریخ مشخصی هم فکر می‌کنیم. از آنجایی که قبلاً به شما اشاره کردم که این نامه احتمالاً از روم نوشته شده است، تاریخ زندانی شدن پولس در روم بین سال‌های ۶۱ تا ۶۳ میلادی یا همانطور که در دوران مدرن از آن استفاده خواهیم کرد، میلادی با اشاره به دوران مسیحیت، قرار می‌گیرد. برخی گفته‌اند که پولس در جایی زندانی شده است و این می‌تواند قیصریه یا قیصریه، بسته به تلفظ شما، یا افسس باشد و آنها در مورد تاریخ‌ها بحث خواهند کرد.

زندان پولس را در آن قرار دهید، تاریخ‌گذاری‌ها به طور قابل توجهی از یکدیگر متفاوت نخواهند بود. هرگز مانند ۵ سال از یکدیگر متفاوت نخواهند بود. ضمناً، باید توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که تمام کتاب‌های عهد جدید بین ۵۰ تا ۱۸۰ سال قدمت دارند.

بنابراین، هیچ تغییر قابل توجهی برای ما وجود ندارد که بتوانیم با آن کار کنیم و بگوییم، اوه، زمان گذشت تا حدودی، این بخش آسان‌تر مطالعات عهد جدید ما است، برخلاف همکاران عهد عتیق ما که باید خیلی سخت تلاش کنند تا تاریخ بین وقایع و نگارش آن رویداد را مشخص کنند.

و تاریخ‌گذاری نگارش این رویداد، تاریخ‌گذاری سنتی، و آنچه برخی از محققان فکر می‌کنند تاریخ‌گذاری بر اساس واژگان و انواع مسائلی است که پدیدار می‌شود. عهد جدید، ما از آن عبور می‌کنیم. این کاملاً سراسر است.

اواسط تا پایان قرن اول. این حرف خاص را می‌توان حداکثر بین ۵۵ تا ۶۸ قرار داد. همانطور که اکثر محققان امروز استدلال می‌کنند، این حرف محدودتر است، و همانطور که من استدلال می‌کنم، بین ۶۰ تا ۶۳، در آن پراکنش.

و اگر این را در نظر بگیریم، پس پولس این را از زندان خود در روم نوشته است. پولس ادعا می‌کند که نویسنده‌ی این کتاب است و ادعا می‌کند که این را به صراحت در فیلیمون ۱، فیلیمون ۹ و فیلیمون ۱۹ نوشته است. به یاد داشته باشید که فیلیمون فصل ندارد، بنابراین وقتی می‌گوییم فیلیمون ۱، منظورم آیه اول، آیه نهم و آیه نوزدهم است.

اما همانطور که به فیلیمون فکر می‌کنید، می‌خواهید به نامه دیگری نیز فکر کنید. چون فیلیمون کجا نوشته شده است؟ این تقریباً یک سوال سراسر برای بحث علمی است. به احتمال زیاد، این نامه به کولسی نوشته شده است، و خطاب به یک فرد خاص و کلیسای در خانه او در کولسی نوشته شده است.

بنابراین، منطقی است که همیشه به رابطه بین این نامه و رساله کولسیان نگاه کنیم. زیرا نه تنها این را اثبات می‌کنیم، بلکه شواهد درونی بین این دو نامه نشان می‌دهد که دلیل کافی وجود دارد که در واقع نشان دهد که اینها نامه‌های نزدیکی هستند که به هم مرتبط هستند. تنها نکته طنز در کل این ماجرا این است که یکی در مورد آنچه پولس نوشته است، بی‌چون و چرماست و سایر محققان در مورد آنچه پولس نوشته است، اختلاف نظر دارند.

پس اجازه دهید فقط به برخی از این موارد اشاره کنم. رابطه بین فیلیمون و کولسیان. هر دو نامه از زندان نوشته شده‌اند.

بنابراین، این باید به شما نشان دهد که پولس چگونه خود را معرفی می‌کند. تیموتائوس و پولس به عنوان نویسندگان این کتاب‌ها معرفی شده‌اند. پولس می‌گوید که او با تیموتائوس این کتاب‌ها را می‌نویسد.

او این را در مورد کولسیان می‌گوید، و آن را در مورد فیلیمون می‌گوید. افرادی که در دروهای هر دو نامه ذکر شده‌اند، با هم همپوشانی دارند. در واقع، همانطور که تا چند دقیقه دیگر به شما نشان خواهم داد خواهید دید که اپفراس، مرقس، آریستارخوس، دیماس و لوقا نیز در فیلیمون ظاهر می‌شوند، همانطور که در کولسیان می‌بینید.

و جالب اینجاست که از برده‌ای که در روایت فیلیمون آمده، یعنی اونیس‌موس، در کولسیان ۴، آیات ۷-۹ نیز نام برده شده است. بنابراین، می‌توانید ببینید که اینجا چه اتفاقی می‌افتد. وقتی به کلیسای در کولسی فکر

می‌کنیم، به کلیسای فکر نمی‌کنیم که در آن یک کلیسای جامع دارید و هر یکشنبه ۲۰۰ نفر به کلیسا می‌آیند. خیر.

این شیوه‌ی زندگی مسیحیان اولیه در قرن اول نبود. آنها در واقع در خانه‌های مردم ملاقات می‌کردند. از شواهد باستان‌شناسی می‌دانیم که افراد ثروتمند فضای کافی برای باشگاه‌ها و انجمن‌های مختلف برای برگزاری جلسات داشتند.

با این حال، یکی از مواردی که شاید باید در اینجا مورد تأکید قرار گیرد یا مطرح شود این است که ما هیچ مدرکی نداریم که نشان دهد خانه‌هایی وجود دارند که به دلیل اندازه اتاق‌های نشیمن، می‌توانند بیش از ۵۰ نفر را در یک زمان در خود جای دهند. بنابراین وقتی کلیسای اولیه و جلسات آنها را تصور می‌کنیم، کلیسای خانگی را تصور می‌کنیم که بیش از ۵۰ نفر را در یک زمان در خود جای نمی‌دهند و چندین کلیسای خانگی در شهر بزرگتر وجود دارد. این همان چیزی است که هنگام فکر کردن به کلیسای کولسی باید به ذهن خطور کند.

و بنابراین، وقتی پولس توجه ما را به کلیسای که در خانه فیلیمون جمع می‌شود جلب می‌کند، این تصویری است که باید داشته باشیم. بنابراین، بسیار محتمل است که کلیسای که قرار است به فیلیمون دسترسی داشته باشد یا محتوای فیلیمون را بشنود، به رساله کولسیان نیز دسترسی داشته باشد و آن را در جلسه کلیسای خود با صدای بلند برای آنها بخواند. اگر این موضوع شروع به روشن شدن کرده است، اجازه دهید برخی از شواهد داخلی را که این دو نامه را به هم مرتبط می‌کند، به شما نشان دهم.

اول، به مقدمه‌های این دو نامه نگاه کنید. فیلیمون ۱ و کولسیان ۱. در واقع، فیلیمون ۱ با این جمله شروع می‌شود که پولس آن را نوشته است، و او این کار را با تیموتائوس، برادر ما، انجام می‌دهد. در کولسیان ۱ آیه پولس آن را نوشته است، و او آن را با تیموتائوس، برادر ما، می‌نویسد، ۱.

توجه داشته باشید که یک تغییر عمده در مکالمه وجود دارد، زیرا بعداً به نکته‌ای از اینجا اشاره خواهم کرد. در اینجا، پولس خود را به عنوان زندانی مسیح عیسی معرفی می‌کند. اما در کولسیان، او خود را به عنوان رسول مسیح عیسی معرفی می‌کند.

به این فکر کنید که در فیلیمون، او خود را به عنوان زندانی برای مسیح عیسی معرفی می‌کند. بگذارید ادامه دهم و همچنین یک مدرک داخلی دیگر را به شما نشان دهم تا شباهتی را در این نامه‌ها به شما نشان دهم. وقتی به فیلیمون نگاه می‌کنید، می‌بینید که در آخرین سلام‌ها، پولس از اِپافراس نام می‌برد.

در کولسیان باب ۴، اینجا از اِپافراس نام برده شده است. می‌بینید، از مرقس نام برده شده، و در کولسیان باب ۴ نیز از مرقس نام برده شده است. در آنجا نام دیگری به نام آریستارخوس می‌بینید. آریستارخوس در فهرست کولسیان باب ۴ اولین نفر است. نام دیماس را می‌بینیم.

خب، در کولسیان ۴:۱۴ از دیماس نام برده شده است. می‌بینید، لوقا. در کولسیان ۴:۱۴ از لوقا نام برده شده است. و شاید تنها جایی که پولس از او به عنوان پزشک یاد می‌کند، ما از آن مطلع خواهیم شد. بنابراین، یکی از چیزهایی که در این مقایسه کم کم متوجه می‌شوید این است که فیلیمون و کولسیان نامه‌هایی هستند که برای هر دو کلیسا قابل دسترسی خواهند بود.

و نامه‌هایی که توسط یک نفر نوشته شده‌اند. به جز اینکه شما به این استدلال پایبند هستید که کولسیان توسط یک نفر نوشته شده است. به همین دلیل بود که وقتی در مورد کولسیان بحث می‌کردیم، سریعاً

اشاره کردم که یکی از چیزهایی که این استدلال را که پولس کولسیان را ننوخته است، تضعیف می‌کند، همین واقعیت است که نویسنده بودن فیلمون مورد بحث نیست.

اگر این تشابهات نزدیک آشکار هستند، پس چگونه می‌توانید بگویید که پولس در واقع یکی را ننوخته است اما دیگری را پولس ننوخته است؟ آیا کلیسا آنقدر احمق است که می‌تواند یکی را داشته باشد که توسط یک شخصیت خیالی نوشته شده باشد که وانمود می‌کند مانند پولس است و همه این کارها را در چنین بازه زمانی انجام می‌دهد و آنها را وادار کند که بنشینند و بگویند، اوه بله، ما معتقدیم که احتمالاً پولس آن را ننوخته است. پولس آن را ننوخته است. و سپس، به این فکر کنید: ۱۹۰۰ سال بعد، متوجه می‌شویم که در واقع پولس آن را ننوخته است.

در قرن اول، آنها فریب خوردند. و کلیسا، بقیه کلیسا، تقریباً ۱۸۰۰ سال است که فریب خورده و یک دروغ را باور کرده است. ما تازه فهمیده‌ایم که پولس آن را ننوخته است.

شواهد و نحوه استدلال‌ها جالب است، و این کم‌لطفی است. در ارزیابی‌های مدرن، خوب است که شاهد افزایش الگوها و اذعان به نویسندگی پولس در هر دو نامه باشیم. بنابراین، ما این نامه را به عنوان نامه‌ای که همراه با کولسیان بوده و به عنوان نامه‌ای که توسط پولس نوشته شده است، در نظر می‌گیریم.

و توسط همان کسی که کولسیان را نوشت. حال، این نامه خطاب به فیلمون است. در واقع اینگونه شروع می‌شود: پولس، زندانی مسیح عیسی و تیموتائوس، برادر ما، به فیلمون، همکار عزیزمان، و افیا، خواهر ما، و آرخیبوس، هم‌رزم ما، و کلیسای که در خانه‌ات است.

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد. بنابراین، ممکن است این سوال مطرح شود که فیلمون کیست؟ فیلمون کسی بود که با توجه به نشانه‌هایی که از این نامه خاص دریافت می‌کنیم، احتمالاً فردی ثروتمند بوده است. او احتمالاً به طبقه بالای شهر کولسی تعلق داشت.

او خانه‌ی بزرگی داشت که می‌توانست در خانه‌اش جلسات کلیسا برگزار کند. قطعاً او برده هم داشت. اما باید بگوییم که داشتن برده به خودی خود نشانه‌ی خاصی از ثروت یک فرد نیست.

زیرا در دنیای باستان، همانطور که در بحث مربوط به کولسیان اشاره کردم، برده‌داری رایج بود. در یک شهر بزرگ، بین 30 تا 35 درصد از جمعیت را برده‌ها تشکیل می‌دادند. برده‌داری به نژاد ربطی نداشت.

اگر همسایه شما کلی پول به شما بدهکار باشد، می‌تواند آن را با یک دختر یا پسر که به عنوان برده برای خدمت به شما آورده می‌شود، در ازای بدهی، معاوضه کند. به همین دلیل چیزی به نام آزادی برده وجود داشت. فرد می‌توانست بدهی خود را پردازد و آزادی خود را به عنوان برده بخرد.

ثروت را از این منظر در نظر بگیرید و تصور کنید افرادی که برده دارند لزوماً فوق ثروتمند نیستند. اما نشانه‌های دیگری که در این آزمون داریم نشان می‌دهد که فیلمون از نظر اقتصادی سالم یا ثروتمند بوده است. شغل او را نمی‌دانیم.

ما فقط می‌توانیم بر اساس برنامه سفر پولس حدس بزنیم که او شاید تاجری بوده که پولس در یکی از سفرهایش با او برخورد داشته است. می‌دانیم که تا جایی که به گرویدن او به مسیحیت مربوط می‌شود پولس او را به مسیح هدایت کرده است. و پولس به سرعت این را به عنوان یکی از نکات مهم خود برای جلب توجه این مرد ذکر می‌کند.

پولس همچنین در این نامه به سرعت اشاره می‌کند که فیلیمون با او در خدمت کلیسا همکاری داشته است. او در فیلیمون ۱ و فیلیمون ۱۷، فیلیمون را همکار و شریک خود می‌نامد. او در کنار پولس خدمت می‌کرد.

تا جایی که به رهبری مربوط می‌شود و آنچه ما در مورد رهبری فیلیمون می‌دانیم، فیلیمون در واقع افرادی را، در خانه‌اش گرد هم می‌آورد، که به ما نشان می‌دهد که او احتمالاً رهبر کلیسای خانه‌اش بوده است. بنابراین بیایید این موضوع را در چارچوب قرار دهیم و قبل از اینکه کمی دقیق‌تر به متن نگاه کنیم، پیشینه بیشتری را بررسی کنیم. پولس که در روم در زندان بود، به نوکیش سابق خود در کولسی نامه می‌نوشت.

نام او فیلیمون است. او احتمالاً یک تاجر بوده است، اما تا جایی که به رابطه نزدیکش با پولس مربوط می‌شود، او در واقع دوشادوش پولس در خدمت و حتی کلیسایی که در خانه‌اش تشکیل می‌شود، کار کرده است. شاید پولس حتی از راه دور مشاور این مرد بوده است.

من همه این‌ها را می‌گویم تا در واقع ذهن شما را تازه کنم و به این نکته برسم که پولس با این شخص رابطه نزدیکی داشته است. بیایید ببینیم پولس چگونه از این موضوع در جریان بحث استفاده می‌کند. قبل از اینکه به این متن پردازیم، می‌خواهم توجه شما را به چند نکته در مورد این نامه جلب کنم.

در تحقیقات مدرن، بحث‌هایی وجود داشته است و در واقع این بحث همچنان ادامه دارد. در واقع، فقط دو سال پیش، من در کنفرانس بین‌المللی‌مان در مؤسسه ادبیات کتاب مقدس، بخشی از یک بحث بزرگ در مورد این موضوع خاص بودم. اونیس‌موس در فیلیمون چه کسی بود؟ خوب، یک برداشت از جایگاه یا نقش اونیس‌موس این است که او را به عنوان یک برده فراری ببینیم. فوگیتوس اصطلاح لاتینی است که گاهی اوقات از آن استفاده می‌کنیم.

و اینکه بگوییم او یک برده فراری بود، به این معنی است که اونیس‌موس برده فیلیمون بود و اونیس‌موس به نحوی فرصت فرار پیدا کرد و فرار کرد. و خیلی دور فرار کرد تا اربابش نتواند او را بگیرد. او مسیحی نشده بود، بنابراین برده‌ای سرکش بود که در واقع به سرعت حرکت می‌کرد و هر کاری را که قرار نبود انجام دهد، انجام می‌داد.

اما حدس بزنید چه اتفاقی افتاد؟ وقتی هنوز آنجا بود، به مردی برخورد که اربابش او را به نام پولس می‌شناخت. شاید اسمش را جایی شنیده بود. این مرد در زندان بود.

شاید او با پولس ارتباط داشت و پولس او را به سوی مسیح هدایت کرد. و اوضاع تغییر کرد. برده‌ی فراری و سرکش شروع به تغییر روش رفتار خود کرد.

همانطور که پولس بعداً در نامه‌اش گفت، او از بسیاری جهات برای پولس مفید خواهد بود. پولس اعتماد به نفس لازم را خواهد داشت تا بتواند او را نزد اربابش بازگرداند. بنابراین، این یکی از برداشت‌های متن از اونیس‌موس است.

یک بحث علمی در مورد اینکه اونیس‌موس کیست، بحث دوم در واقع به این صورت است. ما گاهی اوقات دوست داریم از عبارات لاتین استفاده کنیم تا یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهیم و نشان دهیم که می‌دانیم در است *amicus domini* مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم. و عبارت لاتین برای دیدگاه دوم

یعنی او یک برده فراری بود، اما به قصد فرار همیشگی فرار نکرد. او فرصتی پیدا کرد تا فرار کند به این قصد که برود و با کسی که اربابش می‌شناخت صحبت کند تا آن شخص بیاید و برایش شفاعت کند. آیا تفاوت بین این و مورد قبلی را می‌بینید؟ در این مورد، او یک برده فراری بود.

اما او یک برده فراری خوب بود. چون به خاطر از دست دادن اربابش فرار نمی کرد. بلکه فقط از نحوه برخورد اربابش با خودش خوشش نمی آید.

بنابراین، او فرار می کند تا کسی را پیدا کند که اربابش به او احترام بگذارد تا بتواند از او بخواهد با اربابش صحبت کند تا اربابش با او بسیار مهربان باشد. برخی از محققان این نامه را از این دیدگاه می خوانند. بنابراین، اونیسوس به عنوان یک آدم بد که قرار است ضرر بزرگی برای اربابش باشد یا کسی که به محض دیدن اربابش سزاوار مجازات باشد، به تصویر کشیده نشده است.

نکته ای که باید در مورد این دیدگاه به آن توجه کنید، همانطور که من با برخی از همکارانم بحث می کنم، این مفهوم است که فقط اونیسوس می داند نیت او چه بوده است. اما تا جایی که به اربابش مربوط می شود، او همچنان می تواند او را به عنوان یک فراری ببیند، مانند دیدگاه اول که او فرار کرد. ارباب نمی دانست که او فرار می کند تا از کسی شفاعت بخواهد و از این قبیل چیزها.

این در واقع افشای نیت اونیسوس است و نه دیدگاه فیلیمون. برخی از محققان همچنان اصرار دارند که این پویایی باید تغییر کند، از جمله نحوه دریافت نامه و نحوه برخورد فیلیمون با اونیسوس. و سپس خوانش سومی نیز وجود دارد.

قرائت سوم می گوید، یک لحظه صبر کنید، آن مرد برده فراری نبود. آن مرد یک برده بود، اما در واقع، آن مرد برده ای بود که توسط اربابش فیلیمون فرستاده شده بود تا به پولس در زندان کمک کند. و بنابراین پس از کمک به پولس، پولس او را برمی گرداند.

بنابراین، از این دیدگاه، فیلیمون آدم خوبی است. او آدم خوبی است که همیشه به پولس وفادار، امین و فوق العاده بوده و عمیق ترین علاقه ی پولس را در قلبش دارد و می گوید من باید کسی را پیدا کنم که برود و به دوستم پولس در زمانی که در زندان بود کمک کند. و بنابراین، من یکی از غلامانم، اونیسوس، شاید کسی که بتوانم به او اعتماد کنم را می فرستم تا برگردد و با پولس خوب باشد تا برود و در زندان به او خدمت کند و بعداً برگردد.

بنابراین، در حین بازگشت او بود که پاول نامه ای نوشت تا از شما به خاطر فرستادن این شخص نزد من تشکر کند. می خواهم که اکنون با روحیه ای جدید از این شخص استقبال کنید. او آدم فوق العاده ای بوده است.

او را در میان سایر بندگان ارتقا بده. با او به نیکی رفتار کن. با او مهربان باش.

هر دیدگاهی که در نحوه برخورد با این آزمایش داشته باشید، بر نحوه نگاه شما به فیلیمون، نحوه نگاه شما به نحوه درخواست پولس از طرف او تأثیر می گذارد. و همچنین بر تصور شما از نحوه بازگشت این مرد به خانه، بازگشت فیزیکی او، وضعیت روحی او تأثیر می گذارد. اگر او برای یافتن شفیع به آنجا می رفت، هنوز باید می ترسید زیرا اربابش نمی دانست که او برای جستجوی شفیع به آنجا رفته است.

اگر اربابش او را فرستاده باشد، باید با کمی اعتماد به نفس بیاید. من می توانم برگردم و دوباره از اتاق خوابم استفاده کنم. بعد، می توانم با چند تا از دوستان برده ام در خانه ملاقات کنم.

وقتی این را تصور می‌کنید، یک سناریوی کامل است. باید بگویم مشکل این است که آزمون یک فصل به گونه‌ای است که می‌توانید به نحوی همه این استدلال‌ها را اثبات کنید. من دوست دارم فیلیمون را به عنوان نامه‌ای که پولس به فیلیمون نوشته است، بخوانم که از طرف برده فراری خود درخواست کمک می‌کند.

چه او یک برده فراری باشد که به دنبال کمک یک شفیع برای مذاکره از طرف خود است و چه برای همیشه فرار کند، گیرنده نامه بی‌احتیاط بوده و واقعاً از نیت برده فراری بی‌اطلاع بوده است. برده فراری باید از آمدن، بترسد، و امیدوارم، امیدوارم، امیدوارم، امیدوارم، امیدوارم، کلیسای که در خانه او تشکیل جلسه می‌دهد این فرصت را داشته باشد که ابتدا رساله کولسیان را بخواند. اگرچه همه این نامه‌ها همزمان می‌رسیدند، آنها این فرصت را داشتند که ابتدا رساله کولسیان را بخوانند، که در آن پولس از اونیسوس نام می‌برد و در واقع به او کمی جلوه می‌دهند تا فیلیمون بگوید، اوه! آیا این برده من است؟ او با پولس چه می‌کند؟ حداقل کمی زمینه را آماده کنید.

اگر نه، تصور کنید که اونیسوس با ترس و وحشت برمی‌گردد و اربابش را می‌بیند که آماده است در شلوارش ادرار کند. من این نامه را اینگونه می‌خوانم و به همین دلیل، پیشنهاد می‌کنم که پولس باید چنان درخواست محکمی بکند که هم فیلیمون را متقاعد کند که این مرد فراری حالا خوب است و هم اونیسوس که می‌داند این خبر خوبی نیست، کمی آرام شود که اگر اربابش حداقل این نامه را دریافت کند، قبل از اینکه دلیلی برای شلاق زدن یا رفتار وحشیانه با او پیدا کند، ابتدا نامه را بخواند. اگر به این روش کار کنیم، به این موضوع به شکلی بسیار خاص نگاه خواهیم کرد.

اگر با این واقعیت که او توسط فیلیمون نزد پولس فرستاده شده بود تا به او کمک کند، کنار بیایم می‌توانیم بگویم که پولس درخواست نوعی آزادی برده را دارد. پولس سعی دارد بگوید که باید برده‌اش را آزاد کند و برای آزادی او مذاکره کند، و محققانی که این استدلال را مطرح می‌کنند به این آیات استناد می‌کنند، و من دوست دارم آن را بخوانیم تا شما تصمیم بگیرید که آیا منطقی است یا خیر. از آیه ۱۱ چنین برمی‌آید: «او قبلاً برای شما بی‌فایده بود، اما اکنون هم برای شما و هم برای من مفید شده است»

من او را که قلب من است، به سوی تو بازمی‌گردانم. دوست داشتم او را پیش خود نگه دارم تا در مدتی که به خاطر انجیل در زنجیر هستم، بتواند جای تو را در کمک به من بگیرد. اما نمی‌خواستم بدون رضایت تو کاری انجام دهم تا هر لطفی که می‌کنی، اجباری به نظر نرسد، بلکه داوطلبانه باشد.

شاید دلیل اینکه او برای مدت کوتاهی از تو جدا شد این بود که تو او را برای همیشه داشته باشی. دیگر نه به عنوان یک برده و به آیه ۱۶ توجه کن. دیگر نه به عنوان یک برده، بلکه بهتر از یک برده، به عنوان یک برادر عزیز.

او برای من بسیار عزیز است، اما برای تو حتی عزیزتر. این کلمه که به صورت عزیز و عزیزتر ترجمه شده است، به معشوق آگاپیتو اشاره دارد، هم به عنوان یک انسان و هم به عنوان یک برادر در خداوند.

بنابراین آن محققان این آزمون را انتخاب می‌کنند و می‌گویند که این در واقع استدلال می‌کند که پولس خواهان آزادی اونیسوس است. من معتقدم که این موضوع در این آزمون اصلاً مشخص نیست. وقتی او گفت که به دلیلی از شما جدا شده است، نگفت که شما او را به دلیلی نزد من فرستادید.

به نظر من، سرنخ موجود در آیه ۱۵ نشان می‌دهد که فیلیمون کاری را با میل و رغبت انجام نداده و منتظر بازگشت فرستاده فوق‌العاده‌اش نزد پولس در روم نبوده است. به همین دلیل است که دوست دارم آن را به روشی که قبلاً به شما پیشنهاد دادم بخوانم. اما می‌خواهم توجه شما را به نکته دیگری در مورد این نامه جلب کنم.

لطفاً به من قول بده که نخندی، قول بده سرت را بخارانی، چون محققان هم در مورد چیزهایی مثل این صحبت می‌کنند. گفته می‌شود که اونیسوس در واقع برده‌ی فیلیمون بوده و فیلیمون، اگرچه مسیحی بوده از رابطه‌ی جنسی با او به عنوان شریک همجنس‌گرایانه لذت می‌برده است. وقتی پولس در زندان بود، به برده‌هایی فکر می‌کرد که در آنها خیلی خوب بود، و باعث شد فکر کنم این یکی برای پولس خوب خواهد بود.

و بنابراین او را نزد پولس می‌فرستد تا پولس نیز بتواند از رابطه جنسی با او لذت ببرد. در واقع، در مورد استدلال همجنس‌گرای، گاهی اوقات گفته می‌شود که اگر اینطور نبوده، پس دلیل فرار پولس و اونیسوس از فیلیمون این بوده که فیلیمون به عنوان یک شریک همجنس‌گرا از او سوءاستفاده جنسی می‌کرده است. این موضوعی است که به آن خواهیم پرداخت.

محققان عادت دارند نام همکارانشان را که پشت این چیزها هستند پنهان کنند، زیرا ممکن است نظرشان عوض شود. یا نمی‌خواهند مورد تمسخر قرار گیرند. اما من حداقل به یکی از آنها اشاره می‌کنم.

اما قبل از اینکه این کار را انجام دهم، اجازه دهید بگویم که استفاده جنسی اربابان از بردگانشان در دنیای باستان چیز جدیدی نبود. در واقع، اربابان برده حق داشتند از بردگان خود استفاده جنسی کنند. بنابراین مسئله این نبود.

و گاهی اوقات برده‌ها مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. برده‌های زن و مرد توسط اربابان خود مورد آزار جنسی قرار می‌گرفتند. ما می‌دانیم که گاهی اوقات برخی از اربابان، در تلاش برای پذیرایی از مهمانان خود، در واقع بردگان را در اختیار خود قرار می‌دادند.

برخی از این موارد در قالب طنز و انواع عباراتی که سعی در تمسخر همه کسانی که در مورد این نوع موضوع صحبت می‌کنند، مطرح می‌شوند، نمود پیدا می‌کنند. در رابطه با فیلیمون به طور خاص، یکی از مقالات اخیر در این زمینه توسط جوزف ای. مارکل منتشر شده است. عنوان آن «مفید بودن یک اونیسوس، استفاده جنسی از بردگان و نامه پولس به فیلیمون» در مجله ادبیات کتاب مقدس است.

در اینجا، با استدلال به نفع استفاده جنسی از بردگان در پیشینه فیلیمون مارکل، بیان می‌شود که همانطور که ما محققان برای یافتن زمینه کافی برای این رساله کوتاه تلاش می‌کنیم، استفاده جنسی از بردگان می‌تواند، به فرضیه‌های مختلف در مورد مناسبت این نامه سایه و ظرافت ببخشد. از نظر پیشینه حقوقی، اجتماعی، ادبی و اخلاقی باستانی، این وضعیت برده‌داری تقریباً به اندازه شرایطی که توسط بردگان فراری خشمگین فرستادگان، بردگان کارآموز و فرضیه‌های میانجیگری شخص ثالث مطرح شده است، گواهی تاریخی دارد که پیرامون تفسیر این نامه گرد هم آمده‌اند. به عبارت دیگر، اگر هر سه دیدگاهی را که به آنها اشاره می‌کنیم در نظر بگیریم، باید این دیدگاه را نیز به آن اضافه کنیم.

شواهد چیست؟ چرا باید چنین چیزی مطرح شود؟ خب، شواهد دقیقاً به همان دلیلی اشاره می‌کنند که برده‌داران از بردگان خود استفاده می‌کردند. اما بگذارید یادآوری کنم که در دنیای باستان مانند دنیای امروز فرهنگ عامه و فضایل آرمانی یکی نیستند. فیلسوفان و اخلاق‌گرایان از آنچه برای جامعه و افراد شایسته فضیلت است، دفاع می‌کنند. این بدان معنا نیست که آنچه آنها از آن دفاع می‌کنند، همان چیزی است که در فرهنگ عامه به آن عمل می‌شود.

بنابراین، این واقعیت که از بردگان همجنس‌گرا به صورت همجنس‌گرایانه استفاده می‌شد، لزوماً به این معنی نیست که فیلسوفان آن را یک فضیلت می‌دانستند. و اگر چنین باشد، پس یک فرد شریف که مسیحی شده

بود، باید بیشتر توجیه کند که آیا مسیحیان اولیه آزادی آشکاری برای سوءاستفاده یا استفاده جنسی از بردگان خود داشته‌اند یا خیر. مایکل در واقع برخی از این آزمایش‌ها را به ما نشان می‌دهد.

موسونیوس روفوس یکی از فیلسوفان مورد علاقه من است، و ببینید که چگونه یک فیلسوف به این موضوع پرداخته است. در این دسته، مردی قرار دارد که با کنیز خود رابطه دارد. این چیزی است که برخی افراد آن را کاملاً بی‌عیب و نقص می‌دانند.

از آنجایی که هر اربابی این قدرت را دارد که از برده خود هر طور که می‌خواهد استفاده کند، در پاسخ به این سوال، فقط یک چیز می‌توانم بگویم: اگر به نظر نمی‌رسد که رابطه یک ارباب با برده خودش، به خصوص اگر آن برده، حتی اگر مجرد باشد، شرم‌آور یا نامناسب باشد، باید در نظر بگیرد که اگر همسرش با یک برده مرد رابطه داشته باشد، چه احساسی خواهد داشت.

آیا نه تنها اگر زنی که شوهر قانونی دارد با یک برده رابطه داشته باشد، بلکه حتی اگر زنی بدون شوهر هم این کار را بکند، کاملاً غیرقابل تحمل به نظر نمی‌رسد؟ موسونیوس می‌گوید کسانی که حتی در جامعه چنین کاری می‌کنند، باید در این مورد تجدید نظر کنند. اما مایکل می‌گوید، به این نوع آزمایش نگاه کنید.

و همانطور که به این آزمون نگاه می‌کنید، آیا به شما نمی‌گوید که این موضوع آنقدر رایج و متداول است که بخش مهمی از بحث است که باید در نظر گرفته شود؟ در هیرووداس، بیتینا، من یک برده هستم. هر طور که می‌خواهید از من استفاده کنید.

به عبارت دیگر، یک برده می‌تواند توسط ارباب هر طور که می‌خواهد مورد استفاده قرار گیرد. خوب، موسونیوس این را گفت، بله، همه این را می‌دانند. هوراس، حالا واقعاً، وقتی حقیقت شما بخشی از آزمایش است، شما جام‌های طلایی نمی‌خواهید، نه؟ وقتی گرسنه هستید و به جز طاووس و ماهی سرخو، بینی خود را بالا نمی‌برید، نه؟ وقتی فاقتان مثل بوته است و یک دختر برده یا یک پسر برده خانگی در دسترس است که می‌توانید فوراً به او بپرید، ترجیح نمی‌دهید با کلاه خود باشید، نه؟ من مطمئناً ترجیح نمی‌دهم.

به عبارت دیگر، آنها از نظر جنسی بر بردگان غلبه می‌کنند. در طنز هوراس، من رابطه جنسی آسان و قابل دسترس را دوست دارم، که به بردگان اشاره دارد. من به شواهدی اشاره می‌کنم که توسط محققانی مانند مایکل برای مطرح کردن روابط جنسی بردگان در بحث استفاده می‌شود تا در واقع به شما نشان دهم که از نظر من، مطرح کردن این موضوع در گفتگو بعید است.

این به آن معنا نیست که ما نباید از آن مطلع باشیم، اما به نظر می‌رسد آنچه در این نامه در جریان است، چیز زیادی در این زمینه ندارد. وقتی به طور خاص به فیلمون اونیسوس و استفاده از بردگان نگاه می‌کنیم، توجه به این نکته مهم است که از نظر اخلاقی برای اربابان اشتباه نبود که از بردگان خود برای ارضای جنسی استفاده کنند. همچنین لازم به ذکر است که رابطه برده-ارباب در عهد جدید صراحتاً چیزی را برای ترویج نام برده یا محکوم کردن استفاده جنسی از بردگان بیان نمی‌کند.

بنابراین این واقعیتی است که باید به آن اذعان کنیم. برخی استدلال کرده‌اند، اگرچه این استدلال به سرعت در حال محو شدن است، که مسیحیان اولیه از استفاده از بردگان خود برای اهداف جنسی منع نشده بودند، بنابراین احتمال دارد که فیلمون نیز از آن استفاده کرده باشد. من به شما پیشنهاد می‌کنم در بررسی این نامه که به هیچ وجه وارد بحث نمی‌شود، حدس معقولی بزنید.

من فکر می‌کنم با تمام صداقت، دقت و توجه به دوستان، اقوام، برادران و خواهرانی که گرایش جنسی خود را به عنوان همجنسگرا اعلام کرده‌اند، گاهی اوقات محققان در دام تلاش برای استدلال وارونه برای توجیه

چیزی که بسیار به ما نزدیک است، افتاده‌اند. من به هیچ وجه جدیت برخی از مسائلی را که ما به طور منظم در تمدن غربی خود با آنها سر و کار داریم، انکار نمی‌کنم. من اولین کسی خواهم بود که پیشنهاد می‌کنم دعوت به دوست داشتن همسایه‌مان به اندازه خودمان، وظیفه‌ای است که به همه انسان‌هایی که به تصویر و شباهت خدا آفریده شده‌اند، از جمله برادران، خواهران، دوستان، همسایگان و اقوام همجنس‌گرای ما، گسترش می‌یابد.

آنها سزاوار عشق و مراقبت ما هستند و ما باید این عشق و مراقبت را به آنها بدهیم. با این حال، تلاش برای عقب راندن این موضوع به متون مقدس و تبدیل آن به موضوعی مرتبط در جایی که هیچ اشاره‌ای نشده چیز دیگری است. به همین دلیل است که من معتقدم این استدلال خاص در مورد استفاده جنسی از بردگان به اندازه کافی قوی نیست که حتی در یک گفتگوی جدی مطرح شود، اما از آنجا که در تحقیقات علمی مطرح شده است، احساس می‌کنم وظیفه دارم به شما اطلاع دهم که برخی از محققان اینگونه فکر می‌کنند، اما اکثر محققان این استدلال را باور ندارند.

امیدوارم این مفید باشد. حالا که به برخی از مسائل پیش‌زمینه نگاه کردیم، به خود نامه می‌رسیم. در ابتدای نامه، پولس خود را به عنوان یک رسول معرفی نمی‌کند.

ما می‌دانیم که از میان تمام نامه‌های پولس، تنها نامه‌های دیگری که او خود را به عنوان رسول معرفی نکرده نامه‌هایی هستند که به دوستان مقدونیه‌ای‌اش نوشته شده‌اند. ما می‌دانیم که او دوستان مقدونیه‌ای خود را دوست داشت. او در نامه‌اش به قرن‌تانیان به آنها مباحثات می‌کند.

آنها فوق‌العاده‌ترین مردم هستند و اینها کلیساهای فیلیپی و تسالونیک هستند. در آن کلیساهای پولس خود را رسول خطاب نکرد. آیا این به این معنی است که او نمی‌خواست حس قوی اقتدار خود را در آن مکالمه ابراز کند؟ برخی فکر می‌کنند که اینجا هم همین اتفاق می‌افتد.

واضح است که اینجا در فیلمون، با وجود مسئله حساسی مانند بازگشت یک برده فراری به خانه، پولس نمی‌خواهد مکالمه خود را با کسی که قرار است از او درخواست لطفی کند، با نشان دادن قدرتش آغاز کند. اگر خیلی سریع کارت ویزیت خود را بیرون بیاورد، ممکن است نبرد را ببازد. بنابراین شاید کمی مکث می‌کند.

نویسنده‌ی مشترک تیموتائوس است و این نامه نه تنها خطاب به فیلیمون، بلکه خطاب به کلیساهای خانه‌ی او نیز نوشته شده است. در واقع، این جمله به فیلیمون، همکار عزیزمان، و آفیر، خواهرمان، و آرخیپوس هم‌رزمان و کلیسای خانه‌ات، اینگونه بیان می‌شود. اغلب، ما به این نامه به عنوان نامه‌ای که فقط برای فیلیمون نوشته شده است، نگاه کرده‌ایم.

اما به فشاری که ایجاد می‌شود فکر کنید، و من توجه شما را به فشاری که پولس اینجا به کار می‌برد جلب می‌کنم. فیلیمون، من دارم یک درخواست شخصی می‌کنم، چون به محض اینکه او سخنان مقدماتی شامل سلام و احوالپرسی و از این قبیل را تمام می‌کند، به سراغ مفرد کردن صحبت‌هایش می‌رود. او آن را به صورت مفرد خطاب می‌کند، فقط فیلیمون.

دارم برایت می‌نویسم و از تو خواهشی دارم. اما، اما، اما، می‌خواهم در این مورد فکر کنی. این نامه همچنین برای کلیسای است که در خانه‌ی تو تشکیل جلسه می‌دهد.

اوه، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ می‌خواهم افرادی که شما را به عنوان یک رهبر مسیحی می‌شناسند، بدانند که من در مورد چه چیزی برای شما نوشتم و شما چگونه به آن واکنش نشان می‌دهید. آیا فکر می‌کنید این یک فشار است؟ اوه، بله، اوه، بله.

اسقف به کشیش محله نامه نوشته و گفته است، هی کشیش، آن مرد لجباز را که در کلیسا در دسر درست کرده و از این حرف‌ها می‌شناسی؟ او پیش من آمده، خیلی خیلی خوب است و من این نامه را برایش می‌فرستم. لطفاً از او خوب مراقبت کن. او زندگی‌اش را تغییر داده است

از شما می‌خواهم که او را در آغوش بگیرید، از او مراقبت کنید و در کلیسا او را قدم بزنید. ضمناً، این نامه فقط برای شخص شما نیست. می‌خواهم کلیسا بداند که من برای شما چه نوشتم

تا پاسخگویی وجود داشته باشد. اوه، بله. این پاول است

و ببینید پاول چطور قرار است بقیه ماجرا را اینجا مدیریت کند. پاول باهوش است. در مورد داگلاس مو، من بحث داگلاس در این نامه را بسیار مفید می‌دانم

بنابراین، من در مورد نحوه تنظیم این مطالب به شدت به او وابسته‌ام. داگلاس مو می‌نویسد که زندانی شدن پولس یادآوری ظریفی از فداکاری‌های او برای انجیل است و باید باعث شود که فیلیمون با همدردی به درخواست او نگاه کند. پولس خود را از حقوقش خالی می‌کند تا فیلیمون را نیز مجبور به چشم‌پوشی از حقوقش کند

بنابراین، او نخواهد گفت که من یک رسول هستم. او خواهد گفت که من یک زندانی هستم. فیلیمون، تو فرزند من در خداوند بودی و من تو را راهنمایی کردم

حالا که من در زندان هستم، و در مقطعی، او خواهد گفت، من پیرمرد هستم. لطفاً به لطف شما نیاز دارم. به وجدانتان فکر کنید

اگر در آن موقعیت هستید و کاری را که پولس از شما می‌خواهد انجام نمی‌دهید، پولس خوب است. اما قبل از اینکه به آیه ۴ برویم، بیایید به افراد کلیدی که در نامه از آنها نام برده شده است نگاهی بیندازیم

به فیلیمون خوشامد گفته می‌شود. ما همچنین نام آویا را در آنجا می‌یابیم و محققان معتقدند که آویا در واقع همسر یا خواهر فیلیمون است. سپس از شخص دیگری به عنوان سرباز همکار، آرخیپوس، نام برده می‌شود

گفته می‌شود که او ممکن است پسر فیلیمون، یک خادم انجیل یا هر دو باشد. پسر فیلیمون که او نیز خادم، انجیل است. اگر چنین باشد، پس منطقی‌تر است که همه این نام‌ها اعضای خانواده فیلیمون باشند بنابراین به محض اینکه پولس این را تمام کند، به کلیسایی که در خانه شما تشکیل می‌شود، روی خواهد آورد

برای آماده کردن زمینه برای شکرگزاری‌اش. از اینجا است که پولس به شکرگزاری ادامه می‌دهد. من همیشه وقتی تو را در دعاهایم به یاد می‌آورم، خدای خود را شکر می‌کنم، زیرا از عشق و ایمانی که به خداوند عیسی و برای همه مقدسین داری، می‌شنوم

و دعا می‌کنم که ایمان تو برای شناخت کامل هر نیکویی که در ما به خاطر مسیح است، مؤثر واقع شود. زیرا برادرم، از محبت تو شادی و تسلی بسیاری یافته‌ام، زیرا دل‌های مقدسین به واسطه تو تازه شده است. نکات کلیدی در این شکرگزاری، تأکید بر محبت و ایمان اوست

شاید لازم باشد توجه شما را به این نکته جلب کنم که در اینجا مسئله‌ای مطرح است که آیا عشق و ایمان او نسبت به همه مردم است یا خیر. بنابراین، ممکن است تغییری در ترجمه شما مشاهده کنید. اما من ترجیح می‌دهم آن را به عنوان اشاره به عشق او به همه قومش و ایمان او به مسیح عیسی بخوانم.

و همانطور که پولس در آیه ۸ ادامه می‌دهد، او یک درخواست آزمایشی مطرح می‌کند اما به اصل مطلب نمی‌پردازد. او بر این اساس می‌گوید، اگرچه من در مسیح به اندازه کافی جسور هستم که شما را به انجام آنچه لازم است فرمان دهم. به یاد داشته باشید، او نگفت که من یک رسول هستم. من به اندازه کافی جسور هستم که از شما آنچه لازم است را بپرسم، اما به خاطر عشق

اوه، تو به مردم عشق می‌ورزی. من به این اشاره کردم. خودت این را می‌دانی.

به خاطر عشق، ترجیح می‌دهم از تو درخواست کنم. من، پولس، پیرمردی که اکنون به خاطر مسیح عیسی زندانی هستم، از تو به خاطر فرزندم اونیساموس که در زندان پدر او شدم، درخواست می‌کنم. در اینجا پولس اشاره می‌کند که آیا تو اونیساموس هستی یا نه. در دو دقیقه اول خواندن نامه، این اشتیاق مشتاق را داری که درباره آنچه در اینجا می‌گذرد بیشتر بدانی و سپس پولس وارد می‌شود و درخواست خود را با برجسته کردن روابط مطرح می‌کند.

روابط در اینجا به عنوان مسائل اصلی مطرح می‌شوند. او بر اساس خودش و رابطه‌اش با اونیساموس درخواست خواهد کرد. او بر اساس رابطه پولس با فیلیمون، استاد اونیساموس، درخواست خواهد کرد و رابطه بین فیلیمون و اونیساموس را تقویت و توجیه خواهد کرد، به همین دلیل است که درخواست او باید بسیار بسیار جدی گرفته شود.

بنابراین، بیایید به مورد اول نگاه کنیم. رابطه بین پولس و اونیساموس او از طریق پولس مسیحی شد. برده سابق مفید بودن خود را ثابت کرده بود. او برای اربابش مفید بود، و در زندان نیز برای پولس مفید بوده است. پولس او را برادر عزیز خود خطاب کرد. او پسر پولس است و بسیار جذاب است. فیلیمون باید این را بداند.

او، پولس، با این مرد رابطه شخصی دارد و او را برگرداند. رابطه بعدی که اساس این درخواست را تشکیل می‌دهد، رابطه بین پولس و فیلیمون است. فیلیمون باید بداند که او نیز از طریق او مسیحی شد. اگر فراموش کرده‌اید، همه آنها فرزندان معنوی او هستند. فیلیمون باید به یاد داشته باشد که در خدمت با او شریک است. به عبارت دیگر، او خادمی است که باید محکومیت خود را با پولس در میان می‌گذاشت.

پولس این همدردی را از فیلیمون خواهد پرسید. هی فیلیمون، به من گوش کن. من پیرمردی هستم که از تو درخواست لطفی دارم.

من یک زندانی هستم. من در زنجیر هستم. من یک شریک و یک برادر هستم.

نکته: اونیساموس یک برادر بود. فیلیمون یک برادر است و اونیساموس یک پسر است. فیلیمون یک پسر است. سلام بچه‌ها، شما خواهر و برادر هستید.

شما اشتراکات بیشتری دارید. من پدر معنوی شما هستم. آیا می‌توانید به آنچه می‌گویم گوش دهید و فقط به من کمک کنید، فیلیمون و اونیساموس؟ پولس اکنون می‌خواهد توجه او را به نکته جالبی جلب کند.

اونیسموس در گذشته بی‌فایده بود. پولس می‌گوید من انکار نمی‌کنم که او در گذشته برای تو بی‌فایده بوده است. او احتمالاً تو را با مقداری پول فریب داده است.

او می‌گوید، من آن را از جیب خودم پرداخت خواهم کرد. او اکنون برای پولس مفید است. پولس می‌گوید که او برای فیلیمون نیز مفید خواهد بود. پولس استدلال می‌کند که اکنون او برادر محبوب فیلیمون در خداوند شده است.

تو فقط به برادر نداری، و برادری نداری که ازش متنفر باشی. بعضی وقتا، برادرا با هم دعوا می‌کنن. نه، تو به برادر عزیز داری.

در واقع، بگذارید متن آیه ۱۶ را بخوانم. دیگر نه به عنوان یک برده، بلکه بیش از یک برده، به عنوان یک برادر عزیز، به خصوص برای من، اما چقدر بیشتر برای شما، چه در جسم و چه در خداوند. پولس می‌گوید شما فقط یک برادر اینجا ندارید. شما یک برادر دارید که باید دوستش داشته باشید.

او برادر عزیزی است. او را در آغوش بگیر و ببوس و در آغوش بگیر. خب، این برده‌ای است که باید با این انتظار قوی به دنیا بیاید که لیاقت تنبیه شدن را دارد، به تنبیه نیاز دارد یا به نوعی تنبیه برای کاری که انجام داده نیاز دارد.

پولس به شدت از او درخواست می‌کند. درخواست استراتژیک پولس این است. او با توضیح شرایطش، اونیسموس را نزد فیلیمون بازمی‌گرداند.

او با توجه به شرایط دشوار فیلیمون، با توسل به همدردی او، او را تحت فشار قرار می‌دهد. و اذعان می‌کند که این کار ممکن است در واقع پرهزینه باشد زیرا کاری که انجام داده خوب نبوده است. اما برای پولس، او قرار نیست از این موضوع بگذرد.

و بنابراین، او هدف خود را با درجه بالایی از وضوح بیان خواهد کرد، که من آن را هدف و فشار می‌نامم. بنابراین، اگر در آیه ۱۷، مرا شریک خود می‌دانید، اونیسموس را همانطور که او مرا می‌پذیرفت، بپذیرید. اگر او به شما بدی کرده یا چیزی به شما بدهکار است، آن را به حساب من بگذارید.

من، پولس، این را با دست خودم می‌نویسم. من آن را پس خواهم داد. تازه، تو هم به من مدیونی، حتی به خودت.

بله، برادر، من از تو در خداوند بهره‌ای می‌خواهم، پس قلب مرا در مسیح تازه کن: فشار بیشتر، آیه ۲۱. با اطمینان از اطاعت تو، زیرا می‌دانم که در هر صورت از من اطاعت می‌کنی، از این بابت مطمئن هستم.

من به تو می‌نویسم، با این آگاهی که تو حتی بیش از آنچه می‌گویم انجام خواهی داد. در عین حال، اتاقی برای من آماده کن، زیرا امیدوارم از طریق دعاها، تو، به تو عطا شود. من به دیدارت خواهم آمد تا ببینم چگونه. با اونیسموس به این موضوع رسیدگی می‌کنی.

پولس سپس از این نامه نتیجه می‌گیرد: اِپفراس، همزندان من در مسیح عیسی، به شما سلام می‌رساند. همچنین مرقس، ارسترخوس، دیماس و لوقا، همکاران من، به شما سلام می‌رسانند.

فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شماس است. با آمدن برده بازگشته، پولس از فیلیمون درخواست می‌کند که برادری را بپذیرد. در این روحیه وحدت، در این روحیه بخشش و آشتی است که شاید همه ما مسیحیان نیز بتوانیم در حوزه کاربرد این نامه خاص فکر کنیم که بخشش می‌تواند بخشی از زندگی ما باشد.

آشتی می‌تواند بخشی از زندگی ما باشد. برای پولس، اعمال فشار ضروری بود، اما با این حال، فیلمون کسی بود که به او آزادی کامل برای تصمیم‌گیری می‌داد. پولس امیدوار است و دعا می‌کند.

ما نمی‌دانیم که ماجرا چگونه پیش می‌رود، اما همه ما امیدواریم که با این شکل از نامه، اونیسوس با عشق پذیرفته شده و در جامعه ایمان پذیرفته شده باشد. از شما بابت این بحث در مورد نامه پولس به فیلیمون متشکرم. امیدوارم که این بحث تا حدودی درک شما را روشن کرده باشد.

و از شما خواهش می‌کنم که این نامه را در زمان خودش بخوانید و دربارهاش بیشتر مطالعه کنید. جذاب است. اگر واعظ هستید، از روی آن موعظه کنید.

از آن درس‌های مهمی بگیرید. من زیاد در مورد این نامه نمی‌شنوم. من انواع چیزهای خوبی که در این نامه وجود دارد را در ملاء عام نمی‌شنوم.

و امیدوارم تا اینجا از آن لذت برده باشید. از اینکه در این مجموعه مطالعات کتاب مقدس با ما همراه بودید، سپاسگزاریم. متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رسائل زندان. این جلسه هفدهم در مورد فیلمون است.